

## بحران پناهندگی، نتیجه سلطه و جنگ طلبی امپریالیست هاست!

با تشدید سیاست های سلطه جویانه اقتصادی و جنگی امپریالیست ها در اقصی نقاط جهان که چه به صورت اشغال مستقیم سرزمین ملتی توسط خود امپریالیسم صورت می گیرد (نظیر اشغال عراق و افغانستان توسط امپریالیسم آمریکا) و چه با راه انداختن جنگ‌هایی به نیابت از این یا آن امپریالیسم در این یا آن کشور تحت سلطه اتفاق می افتد، امروز شاهد شرایط مصیبت بار اقتصادی و سیاسی در کشورهای گوناگون هستیم. در چهار چوب این شرایط، کارگران و خلق های تحت ستم این کشورها با جنایات و خشونت های بی رحمانه ای مواجه می شوند که در مواجهه با آنها چاره ای جز ترک خانه و کاشانه ویران شده خود نمی بینند و مجبور می شوند خود را دست حوادث سپرده و به دنبال سرنوشتی نامعلوم خانه و کاشانه خود را بر جای بگذارند. در پی چنین واقعیتی است که جهان امروز شاهد ظهور امواج گسترده پناهجویانی است که برای فرار از جنایات و مصیبت های آفریده شده توسط امپریالیست های خونخوار و مزدورانشان، با تحمل سختی های فراوان و از سرگذراندن خطرهای زیاد، خود را به خیال خود به مناطق امن می رسانند تا از حداقل امکانات لازم برای زندگی برخوردار شوند. اما رویاهای شیرین و هر چند کوچک آنها در اولین مکانی که سکنی می گیرند به یأس و حرمان تبدیل می شود. داستان واقعی زیر مصداق مثل مشمت نمونه خروار و توصیفی از گوشه ای از آن فاجعه ای است که در دستگاه های تبلیغاتی بورژوازی با نام "بحران پناهندگان" خوانده می شود و تحت چنین نام پر طمطراقی ست که چهره سیاه عاملین اصلی این بحران یعنی امپریالیست ها استتار می گردد.

"طفل شیرخوار من از دو روز پیش در محاصره امواج سهمگین اقیانوس که بر سرمان می ریخت در آغوش خودم مرده بود و تنها اشک های من پوشش لباس های مندرس و جسم بی جان او بودند. اطرافیان با چشمانی نگران و قیافه های عصبی و خشن فکر می کردند که طاقت من از شرایط سفر در دریا به سر آمده و دلیل گریه های من، ترس از جان خودم است؛ ولی من در آن لحظه وقتی برای گریستن به حال خودم نداشتم. جگر گوشه بی گناهم در بغلم جان داده بود. با بیش از دویست نفر پناهجویی اکثراً مرد جوان در کشتی کوچکی که بیشتر از ۴۰ یا ۵۰ نفر ظرفیت نداشت چند روز بود که در راه بودیم. جرات نمی کردم بگویم که طفلم، دخترکی که تنها ۶ ماه داشت مرده است. ولی بالاخره فهمیدند. در ابتدا به من گفتند که او را به دریا بیاور! چون در صورت رسیدن به مقصد، در صورت کشف جسد همه سرنشینان دچار مشکل قانونی خواهند شد؛ اما مگر

من می توانستم راضی شوم. حتی حیوانات هم از جسد مردگان خود حفاظت می کنند و با آن با احترام برخورد می کنند. ضجه می کشیدم و مقاومت می کردم. فضایی نبود که به آن بگریزم و یا مخفی شوم. بالاخره دو تن از مردانی که از مرتبطين با قاچاقچی ترتیب دهنده این سفر بودند، مرا محاصره کردند و قاطعانه و بدون توجه به التماس های من گفتند اگر جسد طفل را به دریا نمی اندازی، هم او و هم خود تو را با هم به دریا می اندازیم! بالاخره او را از آغوش من به زور گرفتند و در دل اقیانوس پرتاب کردند، تمام هستی و قلب و روح من با او به اقیانوس انداخته شد. دیگر احساس انسانیت نمی کردم ... تا چند روز بهت زده مانند دیوانگان فریاد می کشیدم و می خواستم گریه کنم اما حتی اشکم هم خشک شده بود. دختر من چه گناهی کرده بود که باید برای فرار از فقر و بردگی در کنگو در سفری که خودش هیچ نقشی در آن نداشت با مادرش همراه شود؟ آیا جثه نرم و بی گناه او طعمه ماهی ها و کوسه ها شده بود یا .

"...

این سخنان تکان دهنده یک زن جوان کنگویی ست که پس از پیمودن مسیر مرگبار مسافرت غیر قانونی از لیبی به ایتالیا عنوان کرده است. او پس از مورد تجاوز قرار گرفتن در جنگ های وحشیانه بین دار و دسته های امپریالیسم ساخته در کنگو و فرار از آن جهنم، از راه دریایی و در محاصره امواج سهمگین اقیانوس، سرانجام خود را به خاک ایتالیا یعنی یکی از حکومت های سابقا استعمارگر در آفریقا و یک قدرت سرمایه داری امروز رسانده است. او که به امید یافتن یک سرپناه و زندگی امن برای خود و فرزندش خانه و کاشانه و هستی ویران شده خویش را ترک کرده بود، حال با غمی بی پایان در چهره اش می‌گرید و این گفته را تکرار می کند که "من تا آخر عمر خود دیگر نه یک مادر و نه حتی یک انسان هستم. من هیچ چیز نیستم..."

داستان این زن زجر دیده تنها جلوه کوچکی از فجایعی ست که پناهجویان آفریقایی در مسیر دریایی بین آفریقا و اروپا با آن درگیر می شوند. مطابق گزارشات سازمان های بین المللی نظیر "سازمان بین المللی مهاجرت" در ۸ ماه اول سال ۲۰۲۱ در همین مسیر دریایی جنوب آفریقا به سوی جزایر قناری در اسپانیا و ایتالیا حداقل ۷۸۵ پناهجو به دلیل سفر با قایق های ابتدایی، و پرشده با محموله انسانی بیش از ظرفیت، غرق شده اند. این آمار که تنها موارد ثبت شده و کشف شده را در بر می گیرد، بیانگر یک افزایش دو برابری نسبت به سال قبل از آن می باشد.

قاچاقچیان، با دریافت هزینه های وحشتناک، با قایق و کشتی ماهیگیری از لیبی و نقاط دیگر، شهروندان موریتانی و مراکشی و کنگویی و اهالی صحرا را در بدترین شرایط در سفرهای ده روزه با تامین کمترین غذا و امکانات به جزایر

اسپانیا می آورند. برای بسیاری که به امید زندگی در یک محیط امن و انسانی سرنوشت خود را به دست این قاچاقچیان بی رحم می سپارند اما این یک سفر مرگ است. حتی برای آن خوش شانس‌ترها هم که به هر حال به مقصد می رسند، رویای غذا و خانه و کاشانه و کار، خیلی زود در برخورد با واقعیت سیستم سرمایه داری حاکم بر ایتالیا و اسپانیا رنگ می بازد که به عنوان یکی از مبادی ورودی سیل پناهجویان آفریقایی به اروپا هستند.

سیستم در هم شکسته و فاقد کارایی زیر نام "پروسه پناهندگی و اعطای حق حمایت بین المللی به متقاضیان واجد شرایط" که با فرار از مرگ، بردگی جنسی، سرکوب دینی و نژادی و مذهبی و یا اتهامات سیاسی خود را به اروپا رسانده اند در عمل کمترین حقوق انسانی را هم به متقاضیان پناهندگی اعطا نمی کند. ماموران مجری این سیستم نیز که در اشکال مختلف با نام "اداره مهاجرت و پناهندگی" به رتق و فتق امور مشغولند اکثرا با توجه به سوابقشان در خدمت در دستگاه سرکوب نظام، از پلیس گرفته تا ارتش، در برخورد با پناهجویان زخم خورده و آسیب دیده، بر حسب وظیفه ای که برای خود می شناسند، برخورد با آنها به مثابه یک اسیر جنگی ست. هدف آنها این است که با برقراری یک شرایط تحمل ناپذیر در کمپ های پناهندگی، پناهجوی محروم را ترغیب به بازگشت به جهنمی کنند که در وهله نخست به امید آزادی و رسیدن به شان انسانی از آنجا گریخته بود. در کنار این سیستم سرکوبگرانه و فاشیستی در قلب جهان سرمایه داری، گاه سازمان هایی نیز زیر نام "بنگاه های خیریه" و سازمان های غیر دولتی که کارمندان معمولی آنها بیشتر از انسان های دلسوز و یا آگاه بوده و به صورت مجانی سعی در کمک غذایی و دارویی و غیره به پناهجویان دارند، بی آن که خود متوجه باشند، نقش سوپاپ اطمینان و در واقع مکمل سیستم سرکوبگرانه و پناهنده ستیز جاری را زیر نظارت "سازمان ملل" بازی می کنند. چرا می گوئیم مکمل سیستم؟ به این خاطر که حتی در بهترین حالت آنها فاقد کمترین قدرت چشمگیری در بهبود و انسانی کردن و اصلاح واقعی همین نظم و دستگاه پوسیده می باشند.

در شرایطی که توصیف شد روی آوردن به دزدی، گدایی، فحشاء و جذب شدن در باندهای مافیایی به سرنوشت طبیعی تعداد زیادی از این پناهجویان در کشور میزبان تبدیل می شود. اما دردناکی این شرایط غیر انسانی به همین جا ختم نمی شود، بلکه همین واقعیت مسخ شده بعدا توسط بلندگوهای دروغگو و فریبکار بورژوازی علم می شود تا افکار عمومی و ناآگاه کشورهای میزبان بدون توجه به عامل اصلی این نابسامانی یعنی سلطه نظم امپریالیستی حاکم، علیه مراکز تجمع پناهجویان بسیج گردند. این واقعیت، زمینه تجهیز و تسلیح باندهای فاشیست در اروپای غربی برای حمله و زدن و حتی کشتن پناهجویان و مهاجرین را فراهم آورده است.

سطور تکان دهنده فوق، آئینه تمام نمای سرنوشت محتمل بسیاری از پناهجویان نظیر زن جوان کنگویی ست که در شرایط وحشتناک توصیف شده از زبان خودش، به "اروپای آزاد" رسیده است!

بحران پناهندگی زاده نظام سرمایه داری و گسترش روزمره سلطه امپریالیسم و سیاست های جنگ طلبانه آنان در سراسر جهان بر جان و مال صدها میلیون تن از توده های محروم است. حل این بحران مانند بسیاری دیگر از بحران های ذاتی نظام سرمایه داری به نابودی این سیستم و برقراری یک نظام دمکراتیک و مردمی که از استثمار و ستم و ظلم و تبعیض بری باشد، گره خورده است.